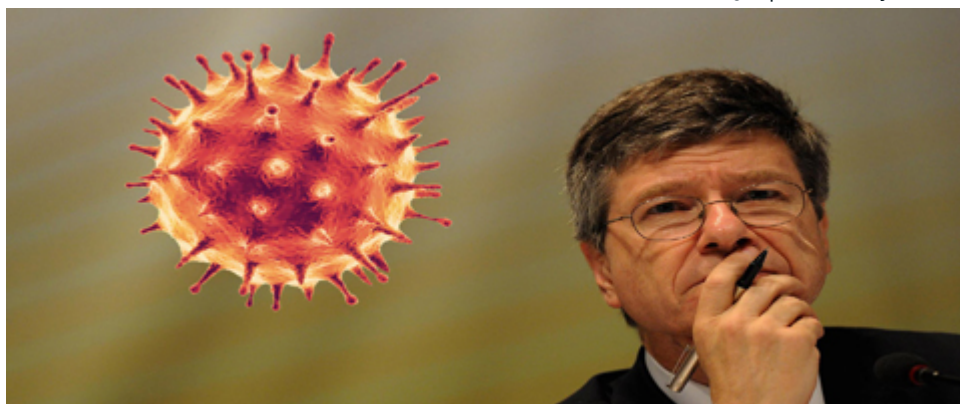


خاستگاه کوید-۱۹؛ پنهان کاری قدرتهای بزرگ

Category: اخبار، علوم، مطالب این وبگاه

written by admin | 13 جولای 2023



✖️ شهادت نامه پروفیسور جفری سکس (ساکس)، رئیس هیئت کوید-19 لَنسِت، در برابر کمیسیون نظارت و پاسخگویی مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا

مأخذ: وبسایت کنگره ایالات متحده:

مترجم: فرزین آقازاده

اکنون بیش از سه سال از آغاز عالم‌گیری کوید-19 گذشته و مطابق آمارهای یک مرجع رسمی (IHME, 2023) بیش از 18 میلیون نفر در سراسر دنیا جان خود را از دست داده‌اند، اما هنوز نمی‌دانیم که خاستگاه سارس-کوید-2 لعنتی یا همان ویروسی که موجب بیماری کوید-19 می‌شود کجا بوده است. با وجود این، چهار چیز را می‌دانیم. نخست اینکه این ویروس ممکن است در اثر برخی فعالیت‌های خطرآفرین آزمایشگاهی پدید آمده باشد. دوم اینکه بخشی از منابع مالی این فعالیت‌های خطرناک آزمایشگاهی توسط دولت ایالات متحده و عمدتاً مؤسسه ملی سلامت! (NIH) تأمین شده و این آزمایش‌های پرخطر با همکاری بین ایالات متحده و کشور چین انجام گرفته است.

سوم اینکه ریاست مؤسسه ملی سلامت و نیز جمعی از دانشمندان مرتبط با این مؤسسه، احتمال آزمایشگاهی بودن ویروس را از چشم مردم و کنگره ایالات متحده مخفی نگاه داشته‌اند. چهارم اینکه پرسش در باب منشأ ویروس سارس-کوید-2 یک موضوع سیاسی و جناحی نیست. اکنون که جمهوری‌خواهان در طرح احتمال نشت آزمایشگاهی ویروس پیش‌قدم شده‌اند همتایان دموکرات آنها نیز باید در تلاش برای یافتن حقیقت همراه شوند.

در طی سالهای 2020 تا 2022 من ریاست هیئت کوید-19 لَنسِت را عهده‌دار بودم. این هیئت در طی پیگیری موشکافانه شواهدی که از منشأ ویروس در دسترس بود نتیجه گرفت که خاستگاه آن هم می‌تواند طبیعی باشد هم آزمایشگاهی، و خواستار ادامه فوری تحقیقات بر روی این مسئله شد. من قویاً از کنگره ایالات متحده، بالاخص کمیته نظارت و پاسخگویی مجلس نمایندگان، برای عهده‌دار شدن این امر خطیر که حقیقتاً مورد توجه عموم مردم است قدردانی می‌کنم.

شناسایی منشأ ویروس بسیار پراهمیت است چون اگر واقعاً این ویروس از درون یک آزمایشگاه به بیرون راه یافته

باشد، آن وقت باید باز هم نگران خطرات بزرگ دیگری باشیم که از جانب تحقیقات پزشکی به اصطلاح «کارکردافزا» ما را تهدید می‌کند؛ تحقیقاتی که وجود دارند و غالباً هم مردم و کنگره از آنها بی‌خبرند. علی‌رغم چنین مخاطراتی تقریباً هیچ نظارت یا پاسخگویی در مورد چنین تحقیقاتی وجود ندارد. جدیداً در دانشگاه بوستون محققان با دستکاری ژنتیکی سویه اومیکرون ویروس سارس-کووید-2 کاری کردند که ویروس بیماری‌زاتر شود. اما هیچ ارزیابی سود و زیان یا نظارتی از جانب دولت فدرال بر روی این کار خطرناک دانشگاه بوستون وجود ندارد. علی‌الظاهر تحقیقات کارکردافزای نگران‌کننده در بسیاری جاها با حمایت مالی دولت ایالات متحده در حال انجام است و با وجود الزام صوری دولت مبنی بر ارزیابی سود و زیان و نظارت در مورد چنین تحقیقاتی، در عمل مؤسسات سرمایه‌گذاری پژوهشی ایالات متحده این الزامات را نادیده می‌گیرند. به دلیل اینکه ایالات متحده برنامه‌های پژوهشی بسیار گسترده‌ای در زمینه دفاع زیستی دارد که عمدتاً محرمانه هستند، احتمالاً تحقیقات کارکردافزای بسیاری با حمایت مالی دولت آمریکا در حال انجام است که مردم و کنگره از میزان بزرگی و گستردگی آنها بی‌خبرند، فارغ از اینکه در دیگر نقاط عالم نیز معلوم نیست چه میزان از این قبیل تحقیقات در جریان است.

اما دلایل و شواهد صریحی دال بر اینکه سارس-کووید-2 از آزمایشگاه نشئت گرفته است وجود دارد.

دیده شدن یک توالی ژنتیکی خاص در ژنوم سارس-کووید-2 که کار آن رمزگذاری یک «جایگاه برش فیورین» (FCS) می‌باشد، یکی از این دلایل است. از میان صدها ویروس مرتبط با سارس (یا سارِیکو-ویروسها)، ویروس سارس-کووید-2 تنها نمونه‌ای است که توالی FCS در آن وجود دارد. حضور توالی «جایگاه برش فیورین» در سارس-کووید-2 به طرز چشمگیری قابلیت سرایت و بیماری‌زایی ویروس را افزایش می‌دهد. حداقل از سال 2006 به این سو دانشمندانی که روی کوروناویروس‌ها کار می‌کردند به توالیهای FCS توجه ویژه نشان می‌دادند زیرا دقیقاً پیش‌بینی کرده بودند که وارد کردن توالی FCS به ژنوم کوروناویروس خطر آن را افزایش خواهد داد.

ما این موضوع را می‌دانیم که دانشمندان ایالات متحده در سالهای اخیر روشهای پیشرفته‌ای برای وارد کردن توالی FCS به درون ژنوم کوروناویروسهای مرتبط با سارس ابداع کرده‌اند. علاوه بر این می‌دانیم که گروه مشترکی از دانشمندان آمریکایی و چینی، خصوصاً در سازمان اکوهلت الاینس (EcoHealth Alliance)، دانشگاه کارولینای شمالی، و مؤسسه ویروس‌شناسی ووهان، در سال 2018، یعنی فقط یک سال قبل از آغاز همه‌گیری کورونا، به سازمان پروژه‌های پژوهشی پیشرفته دفاعی ایالات متحده (DARPA) یک درخواست پیشنهادی کمک مالی تقدیم کرده بودند که صریحاً همین دستکاری ژنتیکی در آن عنوان شده بود. این کمک مالی از جانب سازمان دارپا ارائه نشد اما بسیار محتمل است که با کمک مالی از جایی دیگر تحقیقات مورد نظر به انجام رسیده باشد.

دو واقعیت ساده در این بحث درخور توجه است. نخست اینکه مدیران مؤسسه ملی سلامت، از جمله مدیر سابق، فرانسیس کالینز، همین‌طور دکتر آنتونی فاوچی، مدیر مؤسسه ملی آلرژی و بیماریهای مسری (NIAID)، تحقیقات کارکردافزای ژنتیکی را از کنگره و از مردم پنهان کرده‌اند و به بیان دیگر مکرراً مردم و کنگره را در مورد این موضوع گمراه کرده‌اند. آنها درخصوص حمایت NIH از دستکاریهای ژنتیکی خطرناکی که روی کوروناویروسهای مرتبط با سارس انجام می‌شد چیزی نگفتند. آنها موضوع پیشنهاد کمک مالی دارپا و ارتباط احتمالی آن با منشأ سارس-کووید-2 را افشا نکرده بودند و تنها از راه درز اطلاعات بود که مردم در جریان ماجرای این درخواست کمک مالی قرار گرفتند.

مضافاً افرادی چون کالینز، فاوچی، جرمی فارار (که آن موقع رئیس شرکت بریتانیایی «ولکام تراست» بود و اکنون دانشمند ارشد سازمان بهداشت جهانی است)، و گروهی دیگر از دانشمندان وابسته به مؤسسه ملی سلامت ایالات متحده، احتمال آزمایشگاهی بودن ویروس را از مردم و از نمایندگان کنگره مخفی کردند. بخشی از این پنهانکاری با تکیه بر یک مقاله بسیار گمراهکننده صورت گرفته است تا به این وسیله توجه‌ها را از احتمال آزمایشگاهی بودن ویروس دور کنند. عنوان این مقاله «منشأ درونی ویروس سارس-کووید-2»¹ است. در بحث بر سر رد احتمال منشأ آزمایشگاهی ویروس، مقاله به طرز فریبنده‌ای چنین می‌نویسد: «... اما داده‌های ژنتیکی به نحوی غیر قابل انکار نشئت گرفتن ویروس از هرگونه چهارچوب ویروسی مورد استفاده قبلی را رد می‌کند.» (موضوع مهم اینکه پانوشت شماره 20 این مقاله نقل قول بالا را به یک مقاله سال 2014 ارجاع می‌دهد اما از آن مطلب قدیمی برای رد امکان منشأ آزمایشگاهی ویروس مقصر در همه‌گیری سال 2020 استفاده شده!)

دانشمندان می‌بایست مسئولانه اعلام می‌کردند که در فاصله سالهای 2014 و 2020 متخصصان چینی و آمریکایی سرگرم جمع‌آوری و دستکاری تعداد بسیار زیادی کورونایروسهای ناشناخته و گزارش‌نشده مرتبط با سارس بوده‌اند. اما برعکس، به جای گزارش کردن این مسئله کلیدی به جامعه علمی و عموم مردم، نویسندگان مقاله «منشأ درونی»، بر اساس یک ادعای غلط موضوع خاستگاه آزمایشگاهی ویروس را منتفی دانستند.

واقعیت دوم این است که پژوهشهای خطرناک فوق‌الذکر مشترکاً توسط پژوهشگران آمریکایی و چینی انجام یافته است. هرچند که NIH از همه آنچه در آزمایشگاههای چین گذشته است خبر ندارد، اما قطعاً خیلی بیشتر از چیزی که در مورد فعالیتهای مشترک آمریکایی-چینی و دستکاری ژنتیکی ویروسهای مرتبط با سارس به مردم گفته‌اند اطلاع دارند. همین وضع در مورد اکوهلت الاینس و دانشگاه کارولینای شمالی نیز صدق می‌کند.

یک مسئله مهم و البته آزاردهنده این است که علی‌الظاهر تا کنون هیچ تلاش هماهنگ‌شده‌ای از جانب نهادهای ایالات متحده، خصوصاً NIH، برای گردآوری مجموعه بانکهای اطلاعاتی الکترونیکی مربوط به ویروسهای مشابه سارس به عمل نیامده است. این اطلاعات در اکوهلت الاینس و دانشگاه کارولینای شمالی و برخی دیگر مؤسسات تحقیقاتی ایالات متحده و نهادهای دولتی موجود است و ضروری است برای شناسایی ریشه‌های محتمل به وجود آمدن ویروس سارس-کووید-2 مورد بررسی دقیق قرار گیرد. فقدان چنین بررسیهایی وقتی بیشتر باعث ناراحتی و پریشانی می‌شود که بدانیم هزینه ایجاد و نگهداری بانکهای اطلاعاتی ویروسهای مرتبط با سارس توسط مؤسسه ملی سلامت و دیگر نهادهای دولتی ایالات متحده تأمین شده است.

علاوه بر تحقیق فوری بر روی اطلاعات ویروسها (که در بانکهای اطلاعاتی و در سوابق آزمایشگاهی و هم در بین شواهد و مدارک موجود نزد دولت ایالات متحده و نهادهای دانشگاهی و مؤسسات مردم‌نهاد وجود دارد) و می‌تواند روشنگر خاستگاه ویروس باشد، سؤالات کلیدی متعددی مطرح است که کمیسیون نظارت و پاسخگویی مجلس نمایندگان درخصوص منشأ ویروس سارس-کووید-2 می‌تواند به عنوان بخشی از وظایف پراهمیتش در قبال عموم مردم مورد تحقیق و تفحص قرار دهد. از جمله آن سؤالات پراهمیت موارد زیر است:

1 - وقتی در سال 2019 فراوانی جدید مبتلایان به یک بیماری شبه ذات‌الریه در کشور چین یا در دیگر نقاط دنیا پدید آمد، نهادهای مختلف دولت ایالات متحده دقیقاً در چه زمانی از ماجرا خبردار شدند؟

2 - زمانی که در اواخر سال 2019 هر روز بیشتر آشکار می‌شد که یک ویروس سارس‌مانند در حال گسترش است، دقیقاً از چه زمانی دولت ایالات متحده جمع‌آوری اطلاعات و شواهد در مورد تحقیقات مورد حمایت خود در زمینه

دستکاری ژنتیکی ویروس سارس با کمک مالی NIH و جز آن را آغاز کرد؟

3 – پس از کنفرانس تلفنی NIH با تعدادی از دانشمندان در تاریخ اول فوریه 2020 و نتایج حاصل از آن خصوصاً اینکه وجود یک «جایگاه برش فیورین» (FCS) در ویروس جدید احتمال منشأ آزمایشگاهی آن را بسیار جدی مطرح می‌کرد، دکتر آنتونی فاوچی چه گزارشی در این خصوص به کاخ سفید و نمایندگان کنگره و عموم مردم ارائه کرد؟

4 – چه زمانی برای نخستین بار در داخل NIH این بحث مطرح شد که طرح پیشنهاد شده برای کمک مالی به دارپا ممکن است ارتباطی با منشأ ویروس جدید داشته باشد؟

5 – در اوایل عالم‌گیر شدن کووید، NIH و دیگر نهادهای دولت ایالات متحده در مورد احتمال آزمایشگاهی بودن ویروس، از دکتر رالف پریک²، دانشمند برتر جهانی در عرصه اعمال تغییرات ژنتیکی در ویروسهای مشابه سارس و ویژگیهای «جایگاه برش فیورین»، چه توضیحاتی دریافت کردند؟

6 – در تاریخ 12 دسامبر 2019، دانشگاه کارولینای شمالی و مؤسسه ملی سلامت و شرکت مُدرنا درخصوص واکسنهای اِم‌آران‌ای برای کوروناویروسها، قرارداد انتقال اطلاعات و مایملک تحقیقاتی (MTA) امضا کردند. این تقارن زمانی تصادفی است یا این سازمانها قبلاً از شایع شدن یک ویروس سارس‌مانند که از اواسط ماه دسامبر آغاز شد خبر داشته‌اند؟

7 – در 13ام ژانویه 2020 شرکت مُدرنا و NIH مشارکت خود برای تهیه واکسن mRNA1273 بر ضد ویروس سارس-کووید-2 را اعلام کردند و این کمتر از دو روز قبل از این بود که برای بار اول ژنوم این ویروس منتشر شود و حتی هفته‌ها قبل از اینکه اولین افراد مبتلا به کووید-19 در ایالات متحده شناسایی شوند. سؤال این است که چه زمانی مُدرنا و NIH برای بار اول از سارس-کووید-2 مطلع شدند و چگونه توافق کردند که فاز اول آزمایش یک واکسن mRNA خاص را در فاصله دو روز از اولین انتشار ژنوم ویروس جدید آغاز کنند؟

8 – دکتر فرانسیس کالینز و آنتونی فاوچی و جِرمی فارار چه ارتباطی با نویسندگان مقاله «منشأ درونی» دارند؟

9 – برای اولین بار چه زمانی NIH یا دیگر مؤسسات دولتی ایالات متحده، نویسندگان مقاله «منشأ درونی» را از درخواست پیشنهادی کمک مالی دارپا یا تحقیقات جاری کارکردافزای مورد حمایت دولت روی ویروسهای سارس‌مانند با خبر کردند؟

10 – چرا نویسندگان «منشأ درونی» درباره اینکه دانشمندان چینی و آمریکایی فعالانه در کار دستکاری ژنتیکی کوروناویروسهای مشابه سارس بوده‌اند توضیحی ارائه نمی‌کنند؟ و چرا ایشان در پرتو آگاهی از ماجرای درخواست کمک مالی از دارپا که روشن می‌کند چه بسیار کوروناویروسهای سارس‌مانند اعلام‌نشده وجود داشته‌اند و گروه دانشمندان آمریکایی و چینی قصد داشته‌اند به چنین ویروسی «جایگاه برش فیورین» وارد کنند، مقاله خود را بازبینی نکرده‌اند یا حتی پس نگرفته‌اند؟

پی‌نوشت‌ها:

1 – اصطلاح «کارکردافزا» یا «gain-of-function» برای تحقیقاتی به کار می‌رود که در آنها با دستکاریهای ژنتیکی، عملکردهای زیستی و ژنی موجودات ریز و ذره‌بینی را تغییر (و معمولاً افزایش) می‌دهند.

2 – عنوان اصلی مقاله این است: The Proximal Origin of SARS-CoV-2

Ralph Baric - 3